



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۸/۲۲



ولی شاکر

## شعر من یک شراره را ماند

شعر من یک شراره را ماند  
نالء قلب پاره را ماند  
سینه ام در طلطم است چو بحر  
دیدن تو کناره را ماند  
دل من آب شد از غم تو  
دل تو سنگ خاره را ماند  
موی من شد سپید از ستمت  
موی تو شام تاره را ماند  
روزگارم سیاه ساخت چو شب  
دیده ای که ستاره را ماند  
مشکل دوری تراست مرا  
وصل گویا که چاره را ماند  
قلب شاکر چنان فشاند خون  
که نمودش فواره را ماند